

جمعه 30 جدی 1390 خورشیدی (20 جنوری 2012)

چشم انداز جنگ احتمالی غرب با ایران؛

زمینه ها و پیامدها

محمد اکرام اندیشمند

1- پیش زمینه های بین المللی جنگ:

تداوم جنگ تبلیغاتی بصورت جنگ سرد و جنگ اطلاعاتی و امنیتی ناآشکار در واقع جنگ گرم میان ایران و کشورهای غربی بویژه ایالات متحده امریکا و اسرائیل پیش زمینه های جنگ است. تشدید و گسترش جنگ سرد و جنگ اطلاعاتی که بیشتر از سوی امریکا و اسرائیل در برابر ایران دنبال میشود، میزان احتمال یک جنگ واقعی و به عبارت دقیق تر احتمال یورش نظامی غرب را علیه ایران بالا میبرد. هر چند ایالات متحده امریکا با جمهوری اسلامی ایران در بخشی از عرصه های سیاست منطقوی منافع مشترک دارد و حتی در زمینه های معینی (چون افغانستان و عراق در اوایل حمله نظامی امریکا) به تعامل مشترک پرداخته اند، اما کثرت نکات تعارض و تقابل میان آنها در سطح منطقه و جهان به احتمال چرخه جنگ شتاب بیشتر می بخشد. عمده ترین نقطه تعارض برنامه هسته یی ایران است. ایالات متحده، اروپای غربی و اسرائیل ایران مسلح با سلاح اتمی (اتومی) را غیرقابل تحمل می پندارند و آنرا عبور از خط قرمز منافع حیاتی خود تلقی میکنند.

پیش زمینه های جنگ با ایران با تحریم فزاینده ی امریکا و غرب به سرعت فراهم میشود. تحریم بانک مرکزی ایران گام جدی لندن و واشنگتن در این جهت بود. تحریم خرید نفت ایران گام بسیار جدی و خطرناکتری که غرب در حال برداشتن است. این تحریم ها که در واقع کارد را به استخوان و به شاهرگ های گردن ایران میرساند بدو منظور انجام میشود:

نخست، پذیرش شرایط آنها درمورد برنامه هسته یی و یا قول خودشان تغییر سیاست دولت ایران که این در واقع آغاز کار خواهد بود.

دوم، واکنش انفعالی و خشمگینانه جمهوری اسلامی ایران چون بستن تنگه هرمز. این واکنش میتواند اهداف دشمنان منطقه یی و بین المللی ایران را برآورده کند و تمام دولت های غربی را در عقب یورش نظامی امریکا و اسرائیل علیه ایران بکشانند.

2- پیش زمینه های منطقوی جنگ:

عوامل منطقوی احتمال جنگ و یورش نظامی غرب بر ایران حتی بیشتر از عامل بین المللی است. زمام داران عرب حوزه خلیج فارس برهبری عربستان سعودی بیشتر از امریکا و اسرائیل مشتاق حمله نظامی غرب بر ایران هستند. قدرت هسته یی ایران برای آنها مایه ی نگرانی و یک تصویر تاریخی از

احیای امپراتوری قدیم پارس است که قبل از اسلام و در زمان ظهور اسلام به قبایلی از اعراب منطقه تسلط داشت. سیاست مذهبی و آیدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران که پیوسته در صدد نفوذ و تأثیر گذاری بر جوامع شیعه در کشورهای عربی است بر نگرانی دولت های عرب می افزاید. مانور های نظامی اخیر ایران در آبهای خلیج فارس و اظهارات تهدید آمیز برخی فرماندهان سپاه، بسیج و ارتش ایران در مورد دولت های عرب متحد امریکا جمهوری اسلامی ایران را برای آنها ترسناکتر میسازد. در حالی که اعراب از منظر دینی و مذهبی نیز دولت ایران را به عنوان دولت شیعه بهتر از امپراتوری زرتشتی ساسانی میدانند تا عواطف اخوت اسلامی شان از حمله ی اسرائیل و امریکا به ایران تحریک شود. تفکر مذهبی حاکم بر عربستان و بسیاری از حلقه ها و گروه های سیاسی - اجتماعی جوامع عربی از دیدگاه سلفیت، ایران شیعه را رافضی و رقیب متخاصم خود می پندارند. آنها با این نگاه و دیدگاه به هیچ صورت اقتدار منطوقی ایران را به خصوص به عنوان قدرت اتمی نمی پذیرند.

ترکیه نیز، هم از لحاظ مذهبی به عنوان وارث امپراتوری سنی عثمانی که با دولت شیعه صفوی رقابت و جنگ های خونین را پشت سر گذاشته است و هم از لحاظ قومی و ملی به ضعف و سقوط ایران از جایگاه اقتدار منطوقی اش می اندیشد. نصب سامانه سپر موشکی ناتو در ترکیه که بصورت آشکار در مقابله با ایران است حکایت از نیات ترکیه در جهت تضعیف ایران دارد. گذشته از آن، دولت ترکیه در موقعیت دشوار انتخاب میان امریکا و ایران، امریکا را انتخاب می کند. و موضع اسرائیل به عنوان کشور کوچک یهودی اما مقتدر و مسلح با سلاح اتمی در مورد ایران هسته یی روشن است.

عوامل بازدارنده جنگ:

درحالی که زمینه های بین المللی و منطوقی جنگ و یورش نظامی بر ایران پیوسته مساعد می شود، مؤلفه های بازدارنده نیز در بستر این زمینه ها می تواند از اشتعال آتش جنگ جلوگیری کند. اما تأثیر گذاری و کارایی این مؤلفه ها به سه نکته ی مهم برمیگردد:

- 1- موجودیت واقعی آن عوامل بازدارنده در روند شکل گیری مخاصمت میان ایران و ایالات متحده امریکا و متحدان جهانی و منطوقی اش.
- 2- تأثیرگذاری آن در جلوگیری از جنگ و یورش نظامی بر ایران.
- 3- فرصت زمانی در تأثیرگذاری مؤلفه های بازدارنده جنگ. آیا شکل گیری زمینه و فضای جنگ تا مرز نهایی اشتعال آتش جنگ فرصتی را در اختیار مؤلفه های بازدارنده باقی میماند؟ پاسخ این پرسش را در نگاه به عوامل جنگ میتوان بررسی کرد:

1- توازن نظامی:

موجودیت توازن نظامی میان ایران و دشمنان آن به خصوص امریکا و اسرائیل که آغازگر یورش نظامی به ایران خواهند بود یکی از عوامل بازدارنده جنگ

شمرده میشود. ناگفته روشن است که چنین توازن نظامی حتی در سلاح متعارف میان طرفین وجود ندارد. البته برخورداری ایران از سلاح هسته‌ی که میتواند آمریکا را از حمله نظامی بر ایران منصرف کند هنوز نامشخص است. اما توان نظامی متعارف ایران علی‌رغم پیشرفت در زمینه‌های تولید موشک و سایر سلاح‌های سنگین متدوال در یک جنگ احتمالی با توان نظامی دشمنانش قابل مقایسه نیست. آیا ایران میتواند در برابر حملات متعارف و متقارن نظامی غرب و اسرائیل با استفاده از توانایی‌های نظامی خود در هردو نبرد متعارف و نامتعارف مقاومت کند و آنها را متوقف سازد؟ آیا جمهوری اسلامی ایران خواهد توانست در برابر حملات نظامی غرب و اسرائیل در قلمرو کشورش به مدافعه برخیزد و با حملات متعارف و نامتعارف نظامی تلفات سنگین انسانی و مادی را به امریکایی‌ها در پایگاه‌های شان و به اسرائیلی‌ها در داخل اسرائیل تحمیل کند؟ مثلاً آیا ایران می‌تواند با شلیک صدها و هزاران موشک ده‌ها هزار اسرائیلی را در خاک اسرائیل به قتل برساند و حالت مشابه را برسر امریکایی‌ها در منطقه بیاورد تا آنها اندیشه و طرح حمله به ایران را از سر خود دور کنند؟

مسلم است که نبود توازن نظامی میان طرفین توانایی ایران را حتی اگر چنین توانایی تحمیل تلفات انسانی و مادی را بر اسرائیل و امریکایی‌ها داشته باشد این فرصت را در اختیار ایران نمیگذارد. بالفرض اگر ایران با حملات انبوه موشکی خود ده‌ها هزار اسرائیلی را در خاک اسرائیل بکشد آیا اسرائیل از حمله با سلاح هسته‌ای بر ایران خودداری خواهد کرد؟

2- بازی‌های سیاسی و تعاملات پنهانی:

یکی از نظریاتی که در واقع به عنوان عامل بازدارنده جنگ و یا حمله نظامی آمریکا و اسرائیل بر ایران مطرح میشود، به بازی طرفین بر سر منافع شان در منطقه برمیگردد. برخی تحلیلگران از سناریوی ساختگی احتمال حمله نظامی غرب و اسرائیل بر ایران سخن میگویند که هدف گردانندگان آن دسترسی به منافع مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی است. شماری این سناریو را تفاهم مشترک طرفین می‌پندارند و بعضی آنها تنها به آمریکا و اسرائیل منسوب میکنند. از نظر اسرائیل و آمریکا وجود دولت قدرتمند شیعه در ایران برای مهار اعراب و سلطه بر آنها یک نیاز است. رقابت و مخاصمت میان ایران شیعه و عرب سنی در منطقه، هم امنیت دراز مدت اسرائیل را تأمین میکند و هم فابریکه‌های اسلحه‌سازی آمریکا و غرب را در میان اعراب پر مشتری میسازد. از جانب دیگر این رقابت و خصومت به افزایش و گسترش وابستگی دولت‌های عربی نفت خیز خلیج فارس به آمریکا می‌انجامد.

احتمال بازی سیاسی پشت پرده میان ایران و غربی‌ها میتواند به عنوان عامل بازدارنده جنگ مطرح شود؛ اما هیچگاه شواهد معتبری وجود ندارد که حکایت از این بازی سیاسی داشته باشد. هرچند حلقه‌های مختلف عربی مخالف با ایران نیز از روابط پنهانی اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران سخن میزنند و حتی آمریکا را در همسویی با ایران متهم میکنند که با حمله نظامی بر عراق و

تشکیل حکومت شیعه در بغداد، ایران را به قدرت منطوقی تبدیل کرد. برعکس ایران هرچند نه بصورت رسمی و علنی دولت های عربی مخالف خود را متهم به همدستی با اسرائیل و امریکا می کند.

3- محدودیت های اقتصادی امریکا و غرب:

بحران فزاینده ی اقتصادی امریکا و اروپا به عنوان یکی از عوامل بازدارنده جنگ و حمله بر ایران مورد توجه قرار می گیرد. بر مبنای این تحلیل، امریکا و اروپا که درگیر بحران عمیق اقتصادی هستند از اشتعال آتش جنگ با ایران اجتناب می کنند. چون جنگ این بحران را عمیق تر و گسترده تر میسازد. این در حالی است که برخی از تحلیلگران صورت معکوس این دیدگاه را ارائه میکنند. به باور آنها بحران اقتصادی در امریکا نه تنها مانع جنگ امریکایی ها نمی شود، بلکه بر عکس آنها را در جهت دستیابی به سود بیشتر به این جنگ وسوسه میکند. جنگ های مختلف امریکایی ها در بیرون از امریکا نیز نشان میدهد که بحران اقتصادی و یا مقروضیت دولت امریکا آنها را از جنگ باز نداشته است.

البته نکته ی مهمی که عامل محدودیت اقتصادی جنگ را برای امریکا کم رنگ میسازد به پرداخت هزینه ی جنگ توسط کشورهای عربی ثروتمند نفت خیز بر میگردد. آنها که بیشتر از امریکا و اسرائیل مشتاق حمله بر ایران هستند هزینه ی جنگ را هم با اشتیاق خواهند پرداخت.

نقش روسیه و چین در جلوگیری از جنگ:

مخالفت جدی روسیه و چین به حمله نظامی امریکا علیه ایران به عنوان قدرت های اتمی جهان و دو عضو صاحب وتو در شورای امنیت ملل متحد می تواند یکی از عوامل بازدارنده در این حمله باشد. آیا چین و روسیه چنین مخالفتی را درپیش می گیرند که دست امریکا و اسرائیل را از حمله بر ایران بازدارند؟

شواهد موجود حکایت از آن دارد که روسیه و چین در مخاصمت ایران و غرب در پی منافع خود میروند. منافع آنها به ویژه منافع اقتصادی هر دو کشور در داشتن روابط با امریکا بسیار بیشتر از رابطه با ایران است؛ هر چند حمله بر ایران استیلای امریکا را در منطقه تقویت میکند که برای مسکو و پکنگ خبر خوش آیندی نیست.

سفر اخیر نخست وزیر چین به کشورهای عربی نفت دار خلیج فارس پس از ارائه طرح تحریم نفت ایران نشان میدهد که چینی ها حتا قبل از تحریم، هوای موافقت با غرب را در سر دارند.

هرچند روسیه در مورد حمله ی احتمالی امریکا بر ایران هوشدار میدهد و گاهی به اظهارات متناقض می پردازد، اما تاریخ قدیم روابط روس ها در دوران تزار ها و حاکمیت کمونیست ها با ایران نشان میدهد که آنها از هر فرصتی بر ضد ایران استفاده کرده اند. اگر جنگ و یورش نظامی امریکا و غرب بر ایران

اجتناب ناپذیر شود، روسیه و چین هیچ گامی را در جهت نارضایتی و خصومت با امریکا بر سر ایران بر نمیدارند.

عقب نشینی ایران در دقیقه ی نود:

آیا عقب نشینی ایران در دقیقه ی نود و قبل از آخرین فرصت های اشتعال آتش جنگ می تواند این آتش را خاموش نگهدارد؟ اما چرا ایران در دقیقه نود عقب نشینی کند؟

برخی به این باور هستند که دولت ایران و رهبران آن کشور سروصدای حمله نظامی امریکا و اسرائیل را بر ایران سناریوی ساختگی و تبلیغاتی امریکا و اسرائیل تلقی میکنند. در حالی که دولتمداران ایران به چنین حمله ای معتقد نیستند اما پیوسته می کوشند تا از تبلیغات حمله بر ایران در داخل بهره برداری کنند. فضای داخل کشور را فضای خصومت و جنگ با امریکا و اسرائیل نگهدارند و سیاست تقابل با دنیای غرب و سیاست اختناق در داخل را در این فضاء موجه نشان دهند. حتی اگر زمام داران ایران حمله نظامی امریکا را جدی فکر کنند، عوامل مختلفی را که به برخی آن اشاره شد مانع تحقق این حمله می پندارند. ولی اگر رهبران جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه برسند که یورش نظامی امریکا وارد مرحله ی عملی میشود، عقب نشینی از مواضع خود را به عنوان عامل بازدارنده از این یورش بی درنگ مورد توجه قرار میدهند. آیا این عقب نشینی در واپسین دقیق، کارایی خواهد داشت و مانع هجوم غرب بر ایران خواهد شد؟

اگر امریکا و متحدان اروپایی شان اراده و مطالبه ی متحدان عرب نفت دار خود را در تضعیف ایران مدنظر داشته باشند و آنرا استراتژی مشترک خود تلقی کنند و اگر اسرائیل کاهش اقتدار ایران را در سر خط منافع امنیتی خود قرار داده باشد، به سختی میتوان گفت که عقب نشینی ایران در دقیقه نود مانع اشتعال آتش جنگ شود.

کیفیت و پیامد جنگ:

اگر هیچکدام از عوامل بازدارنده مانع وقوع جنگ نشود و ایران مورد حمله ی نظامی امریکا و اسرائیل قرار گیرد، کیفیت و پیامد جنگ غیر قابل مقایسه و پیش بینی با تمام جنگ های منطقه در شصت سال اخیر خواهد بود.

غرب برهبری امریکا با تمام ظرفیت هوایی و موشکی بر تمام مراکز نظامی و اقتصادی ایران حمله خواهد کرد تا به سرعت فرصت استفاده ی ایران را از حملات متقابل متعارف و نا متعارف بگیرد و جنگ را در مرکز انرژی و شاهراه انتقال نفت در زمان کوتاه پایان دهد.

ارمناژ معاون وزارت خارجه امریکا پس از حمله یازدهم سپتمبر 2001 با پیام جورج بوش به اسلام آباد رفت. او به ژنرال مشرف رئیس دولت پاکستان گفت:

یا در جنگ با القاعده کنار امریکا قرار می گیرد و یا امریکا با بم و موشک پاکستان را به عصر حجر برمیگرداند.

امریکایی ها پاکستان را به عصر حجر برنگشتانند، اما اگر ایران در معرض یورش نظامی آنها و متحدان غربی شان قرار گیرد این هجوم بسیار ویرانگر خواهد بود. این هجوم تمدن ایران را که در سده های بسیار متوالی شکل گرفته است بسوی ویرانی میبرد و موجودیت ایران را به حیث یک کشور واحد تهدید میکند.

حرفی با زمام داران کشور همسایه ام، ایران !

اگر سناریوی حمله نظامی امریکا و غرب بر ایران تطبیق شود، ایران میدان کربلایی خواهد شد که یزیدیان غربی و عربی آن میدان را به بعد از ظهر عاشورا مبدل خواهند کرد.

توازن قوا میان ایران و غرب همانگونه است که در میدان کربلا میان امام حسین(رض) و لشکر یزید بود. روسیه در این جنگ همان نقشی را بازی میکند که اهالی کوفه در جنگ کربلا و روز عاشورا بازی کردند.

اگر غرب و عرب استراتیژی سرکوبی ایران را از قبل داشته باشند و ایران را در روند رقابت و خصومت گام به گام به میدان کربلا بکشانند، عقب نشینی ایران در دقایق پایانی و یا سرکشی جام زهر، راه را به بازگشت ایران از این میدان می بندد. همانگونه که قوماندان لشکر یزید به قول منابع معتبر تاریخی این راه را بروی حضرت امام حسین در میدان کربلا بست. او به تمام پیشنهاد های امام که به او اجازه بازگشت به مدینه یا مکه، شرکت در جهاد در واقع خروج از قلمرو سلطنت اموی و مذاکره با یزید دهد نه گفت.

یزیدیانی که در واشنگتن، لندن و پاریس نشسته اند و عموزاده های یزید که در ریاض، عمان و ابوظبی بی صبرانه در انتظار میدان کربلا برای ایران اند بی صبرانه تر از آن منتظر بعد از ظهر عاشورای این میدان هستند. نمایش بعد از ظهر عاشورای کربلا نمایش سرهای بریده ی مظلومان برحق این جنگ نابرابر بود. نمایش بعد از جنگ غربی ها در ایران نیز نمایش سر و تن بریده ی ایران در اجزای متعدد خواهد بود. آیا رهبران کشور همسایه ام ایران کشور شان را در معرض میدان کربلا شدن و نمایش بعد از ظهر عاشورا قرار خواهند داد؟ یا اینکه:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا